

ساخت فضایی شهر در ایران قبل و بعد از اسلام

دکتر احمد پوراحمد* - استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه تهران

مهندس عطیه پوراحمد - دانشجوی کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۶

چکیده

شهر حامل روح و بستر جغرافیایی پا گرفته در آن و تبلور تمدن و فرهنگ جامعه خود است. تفاوت‌های مکان جغرافیایی سبب ظهور تمدن‌های مختلف شهری شده است. شهرنشینی در ایران که در دوران اشکانیان و ساسانیان شکل ویژه‌ای به خود گرفت، نقش مهمی در روند تمدن ایران زمین داشته است. بررسی روند تغییرات شهرهای ایران بیانگر دو شکل متمایز از سازمان فضایی شهر در دوران قبل از اسلام و پس از آن است. در این مقاله حیات و ساختار فضای زندگی شهری در دو دوره قبل و بعد از ورود اسلام در ایران با استفاده از روش‌های تحلیلی و با استفاده از منابع مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. جمع‌بندی مطالعات نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت چهره شهر در دوره قبل و بعد از اسلام، ساختار سیاسی - اجتماعی شهر ایرانی در هر دو دوره با نهاد دین ارتباط مستقیمی دارد و این عامل تأثیر جدی بر ساختار و حیات شهری داشته است و کارکردهای سیاسی - اداری در هر دو دوره قبل و پس از اسلام وجه غالب شهرهای ایران بوده است.

کلیدواژه‌ها: ساختار شهر، شهر اسلامی، شهر ایرانی، فضای شهر.

مقدمه

شهر ریشه در محیط طبیعی و بستر جغرافیایی خود داشته و تجلی گر فرهنگ و تمدن جامعه و مردم خویش است. تفاوت‌های مکانی و زمینه‌های مختلف جغرافیایی، سبب ظهور تمدن‌های گوناگون شهری شده است. محققان در مطالعات شهری، به دنبال ارائه الگویی از شهرهای اسلامی برای تفکیک این شهرها از سایر شهرهای حوزه تمدنی شرق و غرب بوده‌اند. این تلاش منجر به ارائه مدل‌هایی تقریباً مشابه در ادبیات شهر اسلامی شده است و از مهم‌ترین آنها می‌توان به نظرات برادران ماری، ویرث، اهلرز، ژان ساواژه و ... اشاره نمود. این مدل‌ها بیانگر برخی خصوصیات شهرهای اسلامی در مقایسه با سایر حوزه‌های تمدنی می‌باشند. از نظر پژوهشگران بررسی و شناخت ویژگی‌های این شهرها و وجوه تمایز آنها با دوران قبل از ظهور اسلام، موضوع مهمی است که باید به آن پرداخته شود.

شهرنشینی در ایران که در دوران اشکانیان و ساسانیان شکل ویژه‌ای به خود گرفت، نقش مهمی در روند تمدن ایران زمین داشته است. بررسی روند تغییرات شهرهای ایران بیانگر دو شکل متمایز از سازمان فضایی شهر در دوران قبل از اسلام و پس از آن است. در این مقاله حیات و ساختار فضای زندگی شهری در دو دوره قبل و بعد از ورود اسلام در ایران مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

روش تحقیق

مقاله حاضر در زمره تحقیقات تاریخی بنیادی، محسوب می‌شود که با استفاده از روش تحلیلی توصیفی انجام یافته است. در ساختار و تبیین بخش‌های مختلف آن، از رویکرد تطبیقی - تحلیلی استفاده شده است. در این چهارچوب با بهره‌گیری از منابع کتبی و اسنادی و مراجعه به منابع قابل دسترس و استفاده مستقیم از محتوای آنها تلاش شده است تا نظام شهرهای ایران قبل از ظهور اسلام با دوران پس از حاکمیت دین اسلام مورد مقایسه قرار گیرد.

حیات شهری در ایران قبل از اسلام

فلات ایران از قدیمی‌ترین نواحی پیدایش تمدن است. شرایط طبیعی فلات ایران و وجود زمین‌های حاصلخیز

در مجاورت منابع آب عامل استقرار گروه‌های انسانی و پیدایش سکونتگاه‌های آن بوده است. آثار به‌دست‌آمده از زندگی ایران باستان، در دوره‌های پیش از تاریخ (قبل از مادها) و تاریخی قبل از اسلام از وجود تمدن‌های پرشکوه در منطقه حکایت می‌کند. معماری و ساخت فضای شهرهای تاریخی ایران تبلور ذهن پیشرفته و تعامل و زیست جمعی مردمان ایران زمین به شمار می‌رود (سرفراز، ۱۳۸۱).

مفهوم شهر در فارسی باستان

شهر در اوستا و زبان فارسی باستان به مفهوم شهر، ایالت، کشور و حکومت و پادشاهی، به طور عام اطلاق شده است. با گذشت زمان، دایره مفهومی شهر نسبت به دوره باستان معنای وسیع خود را از دست داده است. در معنای گسترده شهر به معنای پادشاهی، شاهی کردن و فرمان راندن، آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱/۱۳، ۱۴۶۰). در روزگار ساسانیان شهر با عنوان «شهرستان» به کار می‌رفته است (بیگلوسکایا، ۱۳۷۲: ۲۴۲).

تکوین شهر در ایران باستان

پیدایش شهر و تکوین شهرنشینی در ایران تابع تحولات تاریخی و چگونگی ساختار اجتماعی آن بوده است. شهر مرکز ثقل زندگی اجتماعی ایرانیان محسوب می‌شده و ساختار آن متأثر از موقعیت طبیعی و اقلیمی و نظام سیاسی حاکم بوده است. به نظر می‌رسد که در این سرزمین شهرنشینی به علت مشکلات طبیعی و اقلیمی و چگونگی توزیع جمعیتی در آن، تا حدودی با تأخیر آغاز شده و تا دوره اشکانی و به ویژه عصر ساسانی، روند آرامی داشته است (تقوی‌نژاد دیلمی، ۱۳۶۶: ۱۵-۱۸). تا این زمان، فعالیت اصلی مبتنی بر زمین و براساس کشاورزی و دامپروری بوده و فاصله شهر و روستا چندان محسوس نبوده است. ورود ایران به جرگه تجارت آن زمان و کارکرد تولیدی و مبادله‌ای شهرها که از زمان اشکانی‌ها آغاز شد، در دوره ساسانی به اوج خود رسید و در پرتو آن، شهرنشینی از رشد فزاینده‌ای برخوردار شد. پادشاهان ساسانی به عنوان بناکنندگان شهرها، شهرت دارند (یعقوبی، ۱۳۶۲: ۱۹-۲۱۸؛ استخری، ۱۳۶۸: ۱۳-۱۱۰). گفته می‌شود در این زمان، حدود ۱۰۴ شهر وجود داشته که تولیدات خود را با ممالک مختلفی همچون چین، هند و حبشه مبادله می‌کرده و رونق تجاری ویژه‌ای داشته‌اند (تشکری، ۲۵۳۵: ۳۴-۳۸)، از این پس شهرنشینی نقش بسزایی در چگونگی ساختار زندگی ایرانیان

داشته است (رضوی، ۱۳۹۱:۳).

در شهرهای این زمان دو بعد مادی و معنوی حیات جمعی در هم آمیخته بود. امور اجرایی و عملی شهر و آنچه به معیشت و زندگی روزمره ساکنان مربوط می‌شد، با نگرش متافیزیکی خاصی که روح و روان آن‌ها را تغذیه می‌کرد، یکی شده و شهر را به عرصه فعالیت و عبادت ساکنان تبدیل کرده بود. خیر و شر، روشنایی و ظلمت، نیکی و پلیدی تمامی از اراده ایزد واحد ناشی می‌شد، در امور اجرایی نیز وجود حاکم واحدی که ممکن بود اراده نیک و بد، اندیشه خیر و شر و نگرش روشن یا ظلمانی داشته باشد، ضرورت داشت. با این وصف، شهر این دوره تبلور حکومت و مملکت و آنچه بود که از آن با عنوان ایران یا ایران‌شهر یاد می‌شد. شهر این زمان مرکز استقرار حکومت و همچنین به عنوان مدیریت اجرایی، تأمین‌کننده نظم و امنیت، ناظر بر فعالیت‌های اقتصادی و شاهد رشد ثروت و مکتب بود و همچنین به عنوان مرکزی فرهنگی که نیروهای فکری و اندیشه‌های الهی و ارزش‌های مربوط را در خود گرد می‌آورد به‌شمار می‌رفت (رضوی، ۱۳۹۱:۴).

سازمان فضایی شهر ایران پیش از اسلام

شهر پارسی همچون شهر ساسانی براساس باورهای دینی و جهان‌بینی زمان خود ساخته می‌شد. شهر دارای حصاری بود و چهار دروازه به سوی عالم داشت که یادآور جهات اربعه است، تقسیم شهر نیز به چهار قسمت ناشی از این جهان‌بینی بوده است. شهرهای بسیاری از جمله نیشابور، همدان و دارابگرد چهار دروازه داشتند (نظریان، اصغر، ۱۳۸۸: ۷۳).

ژان پرو نظام اصلی شهر شوش را بدین شکل تبیین می‌نماید: شهر شوش دوره ایلامی مسلط بر دشت وسیعی بوده که بر روی تنها تپه پهناور آن اطراف برپا شده بود. معماران داریوش تپه کهن را با طرحی نو به چهار قسمت مجزا تقسیم کردند. تپه جدیدی که حاصل شد همان شهر شاهی است که شامل ۳ قسمت با درجه اهمیت مختلف است: کاخ مستقل (آپادانا) بر صفا چهارگوش که عمداً مرتفع‌تر ساخته شده با مساحت ۱۵ هکتار، محله سکونتی با مساحت تقریبی ۵۰ هکتار و بالاخره دژ کوچک (آکروپل) که در بالاترین نقطه تپه ساخته شده بود و مرکز ثقل سیستم حفاظتی را تشکیل می‌داد. قسمت مسکونی شهر برای مردم یا پیشه‌وران از گودال شرقی شروع می‌شود و دامنه آن از ۱۰۰ الی ۲۰۰ هکتار گسترش می‌یافت (پرو، ۱۳۶۵).

عناصر نیمه‌مستقل تشکیل‌دهنده زیرمجموعه سازمان فضایی شهر بوده‌اند که شامل بخش‌هایی برای عبادت و امور اداری و اقتصادی، زندگی طبقات برگزیده و طبقات میانی بوده است. طبق نظریه برخی محققان «شهرها بر طبق نقشه منظم بنا گردیده‌اند. همیشه با حصار مستحکم محصور می‌شدند. به مناطقی با کاربردهای متفاوت تقسیم می‌شدند. منطقه کار و تجارت مردم عادی از منطقه دولتی با بناهای کشوری مانند اداره، معبد و کاخ جدا بوده است. از آنجا که کاهنان زرتشتی نقش مهمی در اداره اجتماعی مناطق وسیع برعهده داشتند معابد به موازات وظایف مذهبی، امور مدیریت را نیز انجام می‌دادند. در کنار آن‌ها نمایندگان شخصی و نظامی مقامات دولتی به منطقه رسمی شهر ساسانی تعلق داشته‌اند» (هوف، ۱۳۶۵).

شکل نخستین شهر آریایی براساس فقرات ۲۴ تا ۳۱ باب دوم وندیداد این‌گونه توصیف شده است: «قلعه‌ایی به اندازه مسافتی که یک اسب یک نفس می‌تازد در نظر گرفته می‌شود و سپس در وسط آن آتشکده و در کنار آن آب‌انبار و بازار درست می‌شد و سپس محله‌های سه‌گانه شهر، هریک با ابعاد و تناسب مشخص و پس از آن محل دام‌ها و مزرعه و باغ و چراگاه ساخته می‌شد. محله‌های سه‌گانه را باید مخصوص طبقات سه‌گانه مردم دانست. در باب سوم وندیداد نیز اشاره‌ای به جاهای نیکو و مقدس با حفظ سلسله‌مرابت از نظر تقدس می‌شود که براساس آن آتشکده از بالاترین مقام برخوردار است و طبعاً در کنار آن تأسیسات عمومی اجتماعی مثل بازار و آب‌انبار و پس از آن خانه‌های دارای آتش و گاو و گوسفند و زن و فرزند واهل بسیار قرار می‌گیرد» (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۵۰). این تصویر گویای نظامی خاص از روابط میان اجزای نام برده شده از شهر است.

بدین ترتیب سازمان فضایی شهر ایران در دوره تاریخی مرکب از «مناطق جداگانه» است که با رعایت ترتیب اهمیت ساکنان و متولیان آن در شهر مکان‌یابی می‌شوند. منظر شهری برآمده از این سازمان فضایی، حاکی از «مکانت» شهروندان و سلسله‌مراتب جایگاه آن‌ها در ساختار ذهنی جامعه آن دوره است. سازمان شهر به هرمی می‌ماند که عناصر تشکیل‌دهنده آن بر حسب رتبه و مقام به نحوی چیده شده‌اند که شهروندان به سادگی قادر به ادراک ساخت اجتماعی جامعه و جایگاه خود در روح جمعی شهر باشند. «از خصوصیات شهرهای ساسانی، قرار گرفتن ارگ و آتشکده و ادارات در وسط شهر و سپس محله‌های بزرگان و اشراف و بعد از آن محله‌های پیشه‌وران را می‌توان نام برد» (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۹۰).

عناصر شهر ایرانی قبل از اسلام

شهرهای پارسی ایران تا قبل از ظهور اسلام براساس یک هندسه مقدس و به شکل مربعی ساخته می‌شدند. قلعه شهرهای ایرانی به دلیل تبعیت از آرمان‌های پارسی از طرح شطرنجی هشت‌درهشت بهره می‌گرفت که در جهات چهارگانه جغرافیایی دارای دو خیابان عمود بر هم شمالی - جنوبی و شرقی - غربی بود که یک چهارسو را در تقاطع خود تشکیل می‌داد (حبیبی، ۱۳۷۸: ۳۲). شهرهای ایرانی از سه بخش اصلی یعنی شارستان، کهندهز و بخش بیرونی تشکیل می‌شدند. اجزای تشکیل‌دهنده هریک از بخش‌های سه‌گانه یادشده را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. کهندهز یا ارگ: هسته اولیه شهر را تشکیل می‌داد و شامل کاخ پادشاهی و مقر حکومتی و تالارهای پذیرایی و بخش نظامی بوده و به طور معمول عناصری همچون معبد و آتشکده نیز در آن قرار داشت. این بخش با حصارهای بلند، خود را از بخش‌های دیگر جدا می‌کرد.

۲. شارستان یا شهرستان: شامل گذرهایی اصلی که دروازه‌های شهر را به یکدیگر و به عناصر اصلی شهر مانند بازار، ارگ و... متصل می‌کرد. مرکز عمومی شارستان عبارت بود از مجموعه‌ای از فضاها و بناهای خدماتی، تجاری و مذهبی و به‌ویژه بازار برای شهروندان. مفصل‌های ارتباطی در تقاطع گذرها ایجاد می‌شد و تقسیمات شهری و محله‌ای را نیز مشخص می‌کرد. محل زندگی عموم مردم در محله‌های مسکونی قرار داشت. لازم به ذکر است که در شارستان ایرانی جایی مستقل برای تجمع مردم و تعاملات اجتماعی به عنوان میدان وجود نداشته است. مفهوم میدان در شهر ایرانی نخستین‌بار و تنها در عصر پارسی - هلنی در شارستان پدید آمد و سپس تا ورود آیین جدید اسلامی مغفول ماند. دلیل این امر شاخصه دیدگاه‌های اجتماعی و مردم‌سالارانه‌ای بود که در عصر پارتی به آن پرداخته شد ولی در آرمان‌شهرهای پارسی از آن تبعیت نمی‌شد. به دلیل نبود یک فضای کالبدی مناسب برای ایرانیان جهت تعاملات اجتماعی که نظام سلطنتی ایران به آن بها نداده بود، ایرانیان بازار را تنها محل حضور اجتماعی خویش یافتند و در طول تاریخ مدنی بازارها و به دنبال آن در دوره اسلامی صحن مساجد مکان تعاملات اجتماعی ایشان بوده است (فریور صدی، ۱۳۸۰: ۶۱۵).

۳. بخش بیرونی یا سواد: شامل مزارع، باغ‌ها و روستاهای پیرامونی بود و محله‌هایی هم برای سکونت پیشه‌وران در آن احداث می‌شد. در بیرون از برج و باروی شهرهای ایرانی، جاده ارتباطی بین شهر با دیگر

آبادی‌ها و ولایات، مزارع و باغات، و باراندازی در پشت حصار برای استراحت کاروانیان و معاملات تجار قبل از ورود کالا به شهر وجود داشت، بنابراین با توجه به عناصر حفاظتی و تدافعی از قلعه شهرهای ایرانی همچون: خندق، حصار، دروازه‌ها و درب‌های آن‌ها و...، عمده‌ترین فضای فکری حاکم بر بافت و ساختار فضایی شهرهای قبل از اسلام، موضوع امنیت و حفظ قدرت حاکم بوده است.

برای درک بهتر سازمان فضایی و عناصر کالبدی ایران قبل از اسلام، شهر باستانی کرمان نمونه‌ای قابل توجه است: «قدیمی‌ترین نشانه‌های برج مانده در شهر کرمان از تأسیساتی مربوط به عصر پرستش مهر و ناهید حکایت دارد. قلعه‌دختر، بر بالای کوهی که نخستین آثار شهر کرمان در پای آن تشخیص داده شده، مربوط به عهد هخامنشیان و پیش از آن بوده است» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۶). در دوره ساسانی، قلعه دیگری بر بلندی تپه مقابل قلعه‌دختر بنا می‌شود که قدیمی‌ترین ارگ شهر بوده و علاوه بر جنبه دفاعی، جنبه مذهبی نیز داشته و پرستش آناهیتا (خدای آب و باران و زایش)، در آن صورت می‌گرفته است؛ قلعه‌ای که امروز به قلعه‌اردشیر معروف است و بر تپه سنگ بلندتری در شرق قلعه‌دختر ساخته شده است. «شاید مقصود از ساختن دو قلعه جداگانه، جدا کردن سپاهیان از مرکز مذهبی قلعه‌دختر و حفظ حرمت آن بوده است (باستانی پاریزی، ۱۳۶۶: ۱۹۶). این روایات از شکل‌گیری هسته شهر به عنوان یک قلعه محصور حکایت می‌کند. در این روند شهر کرمان، زیستگاهی دستوری است که به مرکزیت قلعه‌دختر و بعد قلعه‌اردشیر شکل می‌گیرد. ساکنان شهر هنوز داخل قلعه یا شهر اصلی جای ندارند. بلکه در بیرون قلعه و نابسامان زندگی می‌کنند. در نتیجه ساکنان، هنوز به مرحله «شهروندی» نرسیده‌اند و شهر به آنان تعلق نیافته است. سازمان فضایی شهر کرمان در دوره پیش از تاریخ و در عهد ساسانی قابل تشخیص است؛ در ابتدا قلعه‌ای مقدس به نام دختر، که به نظر می‌رسد ویژه آناهیتا، الهه آب و باروری باشد، سمبل حیات و قدسیت بر فراز بلندی احداث می‌شود. حصار دور آن، تنها به حاکمان یا دارندگان امر قدسی اجازه اقامت می‌دهد. در بیرون قلعه مردم زیست می‌کنند، درحالی‌که نشانی از حضور آنان در سیمای شهر پدید نیامده است. در عصر ساسانی توسعه شهر الزامی و عرصه شهر در محدوده‌ای جدید گسترده می‌شود، لکن سازمان فضایی شهر سنت گذشته را ادامه می‌دهد. قلعه‌ای جدید بر بلندی مجاور قلعه‌دختر ساخته می‌شود. حصار نیز گسترده می‌شود و خندق دور آن، پهنه شهروندان یعنی ساکنان قلعه و طبقات ممتاز را از رعایا جدا می‌سازد و شهر کرمان همچنان دو قطبی باقی می‌ماند.

سازمان فضایی شهر کرمان پیش از اسلام، در وهله اول تداعی کننده دو عرصه متفاوت «مقدس» و «نامقدس» در فضا است که در مراحل بعد و براساس شأن و مرتبه هریک باتوجه به شرایط، شکل می‌یابند. عرصه مقدس، عناصر اصلی شهر شامل معبد، قلعه، خانه‌های طبقه برگزیده، حصار و خندق را در حالی دربر گرفته است که بر جدایی خود از ناحیه دیگر تأکید می‌کند. عرصه نامقدس، فضایی بی‌هویت، تودرتو، سامان نیافته و خودروست که حاشیه‌نشینی آن در برابر عرصه مقدس به شدت جلوه‌گری می‌کند.

انتظام شهر ایرانی قبل و بعد از اسلام، دو شیوه کاملاً متفاوت داشته است. پیش از اسلام، بنا به تعریف حاکم از سلسله مراتب گروه‌های اجتماعی و منزلت آن‌ها، شهر به دو ناحیه قلعه و بیرون تقسیم می‌شده است. ساکنان قلعه وابستگان حکومت و اهالی بیرون، رعایا و مردم عادی بوده‌اند. سازمان فضایی شهر علاوه بر دو قطب مذکور، عرصه داخلی قلعه را به عنوان زیرمجموعه خود به فضاهایی شامل معبد، کاخ و ناحیه مسکونی تقسیم می‌کرد. این شکل فضا، فاقد آزادی متعارف شهروندی در انتخاب‌های خود برای زندگی شهری بوده است.

سازمان فضایی شهر ایرانی در دوره پیش از اسلام بیانگر وجود نظمی خاص در طبقات اجتماع است؛ دو قطب مجزا یا دو مجموعه جدا که در نخستین گام، شهر موظف به تفکیک عرصه‌های فضایی آن‌هاست تا در قدم بعد هریک از مجموعه‌های کوچک‌تر، سازمانی درونی خود را بیابند.

نکته مهم و قابل توجه، جدایی دو بخش مذکور از یکدیگر است، به نحوی که کلیتی به نام شهر که محصول کنار هم قرار گرفتن دو قطب یاد شده است، تعامل گسترده‌ای را میان آن‌ها برقرار نساخته است. در حقیقت ارتباط میان این دو، به عنوان اجزای مستقل در کمترین حد ممکن بوده و مجاورت فیزیکی آن‌ها توان تولید کل وحدت‌داری به نام شهر، که زمینه‌ساز حیات مدنی و مدنیت برآمده از آن باشد را کمتر داراست. سازمان فضایی در این دوره بر تمایز عرصه‌های طبقات اجتماعی و شفافیت بخشیدن به جدایی معنایی آن‌ها تأکید دارد (منصوری، امیر ۱۳۶۸: ۵۵-۵۹).

شهر ایرانی پس از اسلام

اسلام علی‌رغم برتری دادن به زندگی شهری در مقابل بادیه‌نشینی و کوچ‌نشینی، در خصوص ارتباط میان نگرش اسلامی با مقوله شهرنشینی و تأثیر بر فضای کالبدی شهر و ویژگی‌های ساختاری آن دارای عملکردی

متفاوت بوده است. اغلب حیات شهری مسلمانان را تداوم سنت‌های باستانی می‌دانند که ایدئولوژی اسلامی نیز در آن تأثیر گذاشته است. ورود اسلام به ایران و فتح شهرها و اداره آن‌ها به دست حاکمان مسلمان، نگرش جدیدی را نسبت به جامعه و افراد در شهرها متبلور می‌کند. این شعار که انسان‌ها برابرند و برتری حقیقی نزد خداوند و وابسته به تقواست، مناسبات جدیدی را میان گروه‌های اجتماعی جاری می‌سازد؛ لذا حیات دیوار قلعه‌های حکومتی که حافظ طبقات برگزیده بود و نماد جدایی آن‌ها از عامه مردم، پایان یافت.

مهم‌ترین حادثه شهری در سده‌های نخستین ظهور اسلام در ایران را در تغییر مفهوم شهر از «محیط محصور طبقات برگزیده و در جوار آن مقر مردم عامی» به «مکانی برای زیست برادران برابر که عزت آن‌ها نه ذاتی که اکتسابی است» (ان اکرمکم عندالله اتقیکم) و عدالت تجلی‌یافته در سازمان فضایی آن‌ها باید جست‌وجو کرد.

در این دوره یکی از شاخص‌های سازمان فضایی، مجموعه‌های نیمه‌مستقل عمومی جدید است: مسجدجامع، بازار، میدان و محله‌هایی که حاوی برتری نسبت به یکدیگر نیستند بلکه بر حسب قومیت یا شغل ساکنان، به صورت مستقل ظاهر می‌شوند. استقلالی که تنها مبین تمایز است نه برتری. شهرهای سده نخستین اسلامی، در امنیت نسبی حاصل از فتوحات مسلمانان از یک سو نیازمند دیوار و حصار کهنه نیست و از سوی دیگر با استقرار نگاهی نو توسط مسلمانان دو گانگی فضایی قلعه و شهر را از میان برمی‌دارد. (منصوری، امیر ۱۳۶۸: ۵۵-۵۹).

سازمان فضایی جدید شهرهای ایرانی

وحدت شهرهای دوره اسلامی ایران مورد پذیرش پژوهشگران است. سه رکن مهم شهرهای اسلامی: ارگ، شارستان و ربض است (کیانی، ۱۳۶۵). «بازارها و مراکز اقتصادی بعد از بناهای مذهبی مهم‌ترین رکن شهرهای اسلامی بودند. به نظر محققان، شهرهایی که فرمانروایان اسلامی بنیان می‌گذارند دو مشخصه اصلی داشت: یکی مسجد و دیگری بازار. بازارها و مراکز اقتصادی عموماً در اطراف مسجد بنا می‌شدند. محمد توسلی با تکیه بیشتر بر مرکز شهر، آن را به عنوان پدیده‌ای خاص مورد بررسی قرار می‌دهد: «مرکز شهر از عناصر اصلی شهر شامل مسجدجامع، بازار، مدرسه علمیه، میدان، تکیه، حمام و کاروانسرا تشکیل می‌شده است ... و ارتباط قوی فضایی میان عناصر مجموعه مرکز شهر وجود داشته است» (توسلی، ۱۳۶۵). وی به وجود «عناصر ساختی و عملکردی خاص» در بخش قدیمی شهر نیز اشاره می‌کند و از مهم‌ترین عناصر مذکور مرکز شهر، محلات شهر،

مراکز تولیدی و کارگاه‌ها، عناصر و فضاهای ارتباط‌دهنده، عناصر خدماتی، ارگ شهر و حصار نام می‌برد (توسلی، ۱۳۶۵).

هاینس گوبه فهرست عناصر اصلی شهرهای اسلامی را چنین ارائه کرده است: حصار، دروازه، ارگ، راه‌های بیرون شهری، حومه، شاهراه‌ها، مسجدجامع، سازمان‌های اداری، مدرسه، بازار، کاروانسراها و محله‌های مسکونی (کیانی، ۱۳۶۵). سلطان‌زاده نیز به همین عناصر اشاره می‌کند: «شهر اسلامی با منبر و جامع، سه بخش کهن دژ، شارستان و ریض، بازار به صورت خطی که از دروازه شروع می‌شد و به مسجدجامع می‌رسید و محله‌های مسکونی که هریک مخصوص صنف خاصی بود» (سلطان‌زاده، ۱۳۶: ۱۳۰-۱۳۰).

انتزاع ذهنی از نظم میان عناصر مذکور مدل واحدی از سازمان فضایی شهر اسلامی ایران را به دست می‌دهد. شهرهای ایران در نخستین سده‌های ظهور اسلام، هنوز فرصت تبدیل آیین به فضا و شکل را نیافته‌اند. مهم‌ترین رویکرد آن‌ها، پرهیز از سازمان دو قطبی باستانی و بنیاد شهری عدالت‌محور و برابراندیش است.

پس از ورود اسلام به ایران، تفسیر طبقاتی از فرد و جامعه فرومی‌ریزد و مظاهر آن در فضا نیز دگرگون می‌شود. شهر دوره اسلامی ایران از سازمانی خاص برخوردار است که مبتنی بر برابری شهروندان و امکان دسترسی برابر آن‌ها به خدمات شهر است. شهر در خدمت همه و برآمده از سکونت و زندگی جمعی آن‌هاست. سازمان فضایی در شهر اسلامی مبتنی بر تعریف مرکز خدمات عمومی، کل‌های کوچک (زیرسیستم) شامل محله‌های نیمه‌مستقل و مجموعه‌های خدمات و ساختاری است که همه این‌ها را در پیوند با یکدیگر قرار می‌دهد. در تحولات شهر اسلامی ایران در دوره‌های مختلف سازمان و نظم مذکور ثابت مانده و مکان‌گزینی اجزای آن بر حسب خواست حاکمان تغییر کرده است. جوهر سازمان فضایی شهر ایرانی در دوره اسلام همواره ثابت مانده است (منصوری، امیر ۱۳۶۸: ۵۵-۵۹).

ساختار شهرهای ایران پس از ظهور اسلام

توسعه شهرهای ایرانی علی‌رغم زندگی جدید در دوره اسلامی بر پایه زیرساخت‌های شهرهای قبل از اسلام ادامه یافت و همواره سه بخش اصلی پیشین به صورت مشخص بعد از اسلام نیز در شهرهای ایرانی حفظ شدند، با این تفاوت که نوعی معنویت و ترکیب اسلامی بین این عناصر حاکم گردید.

مسجد آدینه به صورت یکی از ارکان اصلی زندگی شهری و یکی از نشانه‌های مشخص‌کننده شهر درآمد. برای نخستین بار و براساس دستورات آیین اسلامی مردم باید جهت انجام عبادات و نمازهای جمعه و جماعات در مساجد حضور می‌یافتند که صحن آن تنها فضای باز شهری جهت حضور مردم و تعاملات اجتماعی ایشان بوده است (شفقی ۱۳۸۷: ۲۱۱-۲۳۶). در چهار مدل ارائه‌شده از شهر اسلامی توسط پژوهشگران (دتمان، ۱۹۶۹؛ ویرت، ۲۰۰۰؛ اهلرس، ۱۹۸۷ و جیبی، ۱۳۷۵)، عناصر معماری شهر اسلامی معرفی می‌شوند. در این مدل‌ها علاوه بر مسجدجامع، بازار در مرکز و قلب شهر اسلامی قرار دارد و معمولاً بنای مسجدجامع در این شهرها همیشه در کنار بازار شهر قرار دارد. در مدل ویرت بازارها از مرکز شهر به صورت شعاعی توسط راه‌ها و گذرها که دارای عرض قابل توجهی هستند معمولاً مراکز محلات را دربر می‌گیرند. گورستان‌ها در کنار حصار شهر قرار دارند و هر گروه مذهبی دارای گورستان جداگانه‌ای است. بیرون از حصار را معمولاً بازارهای روستایی تشکیل می‌دهند. بر این اساس می‌توان گفت عناصر معماری شهری در شهرهای اسلامی شامل موارد ذیل‌اند:

۱. مرکز شهر شامل مسجدجامع و بازار و ارگ حکومتی است؛
 ۲. محله‌های مسکونی با پیکر اصلی شهر دورادور مرکز شهر قرار دارند؛
 ۳. شهرهای اسلامی دارای حصار و دروازه بود و قلعه دفاعی شهر متصل به حصار شهر بود؛
 ۴. ریض منطقه خارج از حصار که با بازارهای روستایی محل خریدوفروش دام و محصولات کشاورزی بود و نزدیک دروازه‌های شهر قرار داشت.
- در مدل مذکور عناصر مختلف شهری در بخش مرکزی شهر، شامل: کوشک یا کاخ شاهی، مسجدجامع، دیوان‌خانه، مدرسه و بازار که مدل اغلب شهرهای اسلامی است به چشم می‌خورد. در این طرح که شهر ایرانی سده‌های نخستین اسلامی را به نمایش می‌گذارد، هنوز شارستان پارسی به عنوان عنصری وسیع و قابل توجه عملکرد خود را داشته است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۱۹۳-۲۰۷).

بدین ترتیب شهرها در دوره بعد از تسلط اسلام از چهار بخش اصلی به قرار زیر تشکیل شدند:

۱. اماکن مذهبی مانند مسجد، مدرسه، حسینیه، تکیه و...؛
۲. ارگ یا دارالحکومه: سکونتگاه‌های قلعه‌ای حکام و خانه‌های اعیان و تجار؛
۳. مجموعه بازار اصلی شهر با عناصر وابسته خود؛

۴. محلات و کوی‌های شهر با مراکز ویژه خود.

مسجد جامع

مسجد جزء اصلی‌ترین عناصر در شهر اسلامی است. مسجدی که به دست پیامبر(ص) در مدینه ساخته شد، به عنوان نخستین الگوی ساخت مسجد مورد توجه مسلمانان واقع گردید. مسجد در ابتدا مرکز عبادت، سیاست، قضا و آموزش و نمونه کامل یک فضای مردمی و مذهبی بود. با گسترش اسلام و فعالیت‌های مسلمانان عملکردهای سیاسی، قضایی، آموزشی و... از مسجد جدا شده و هرکدام مکان خاصی را به خود اختصاص دادند؛ اما ارتباط خود را با مسجد حفظ نمودند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۲۶۵-۲۷۴، امینی و منتظرالقائم، ۱۳۸۷: ۶۵-۸۰). مهم‌ترین مباحث ساختاری در شهرهای اسلامی مرتبط با صحن و عملکرد مسجد است که می‌توان از آن به عنوان میدان و فضای عمومی شهر یا تنها مکان تعاملات اجتماعی یاد کرد. بر این اساس در میان بافت پرتراکم شهرهای سنتی و اسلامی ایران، تنها فضای کالبدی که اجازه حضور جمعی مردمی و فرصت‌های مردم‌سالارانه دینی را برای مسلمانان پدید می‌آورد، میدان یا صحن مساجد جمعه یا جامع بوده است (میرزا کوچک خوشنویس، ۱۳۸۵). در اینجا باید به این نکته اشاره کنیم که میدان نقش‌جهان در شهرسازی اصفهان از این قاعده از مدل شهرسازی اسلامی ایرانی عبور کرد. دلیل این امر آن است که میدان نقش‌جهان، در اساس میدان شاه بود و تجمعات در آن تنها برای سلطان صفوی اتفاق می‌افتاد. انجام بازی‌های چوگان و سلام‌های بارعام اعیان نشان از غیرقدسی بودن این میدان دارد و نظام حاکم صفوی به عمد با شکستن زاویه نظام هندسی میدان و مسجد بر غیرقدسی و غیردینی بودن آن تأکید داشته است (اهری، ۱۳۸۰: ۲۰۶ و میرزا کوچک خوشنویس، ۱۳۸۵).

ارگ یا دارالحکومه

جایگاه و مرکز حکومت و مقر اصلی نظامیان در شهر سنتی ایرانی، ارگ بوده است. این بخش از شهر به دلیل برخورداری بهتر از استحکام، کم‌وبیش در بعضی از شهرهای اسلامی از جمله شهرهای قدیمی ایران به صورت اصلی خود به چشم می‌خورد. در شیراز وجود ارگ با دیوارهای بلند، اعتباری به مرکز تاریخی شهر داده است و در یزد دیوارهای دارالحکومه به تدریج از بین رفته‌اند ولی هم اکنون فضاهای آنها مورد استفاده اماکن دستگاه‌های

دولتی است. در بخش قدیمی شهر تهران ارگ به صورتی که در گذشته وجود داشته، امروز مشاهده نمی‌شود ولی عناصر وابسته دیگر از قبیل مدرسه دارالفنون، خزانه دولت و بعضی از کاخ‌های سلطنتی وجود دارند و تنها میدان ارگ باقی مانده است.

بازار

از نظر کالبدی، به صورت خطی یا گسترده و گاه به شکل ترکیبی از راسته‌های متعدد همچون بازار کرمان در مجاورت ارگ شکل می‌گرفت. فرم سازمانی آن‌ها در رابطه با وضعیت فضایی مسجد اصلی شهر بود. نحوه استقرار مشاغل در امتداد بازار، با مسجدجامع و ارگ ارتباط خاصی می‌یافت و معمولاً راسته‌های منشعب از بازارها بر مبنای فعالیت‌هایشان نام‌گذاری می‌شدند. تاریخ اجتماعی سیاسی ایران چند دهه اخیر نشان از این مطلب دارد که بازار و مسجدجامع محل اصلی حضور و تعاملات اجتماعی مردم ایران بوده است (پوراحمد، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۶).

محله‌های شهر

بخش قدیمی شهر شامل محله‌هایی می‌شد که بر پایه صاحبان حرف، مشاغل ویژه، اقلیت‌های مذهبی و دینی و طبقات اجتماعی مختلف و... شکل می‌گرفتند. ملحقات هر کدام دارای هسته‌ای بوده‌اند که فضاهای آن بر پایه وضعیت اقتصادی و اجتماعی ساکنان آن محله شکل می‌گرفته است. در مرکز محله معمولاً عناصری از قبیل مسجد، حسینیه، بازارچه، میدان‌چه و آب‌انبار بوده است که عموماً در تقاطع گذرهای اصلی سازمان می‌یافتند.

نتیجه‌گیری

ظهور و گسترش شهرنشینی در ایران تحت‌تأثیر ساختار سیاسی و روابط اجتماعی بوده است. شهر محل استقرار و مقر اصلی حاکم و فعالیت‌های مرتبط با آن بود. هرچند شهرها کارکردهای گوناگونی داشتند، اما کارکردهای سیاسی و اداری و امنیتی آن‌ها تأثیر مهمی بر رونق و گسترش آن‌ها داشت.

در شهرهای ایران به طور پیوسته ابعاد مادی و معنوی با هم آمیخته بودند و زندگی شهرنشینان با گرایش‌های

متافیزیکی و مذهبی پیوند خورده بود. این ابعاد در پرتو کارکردها و ساختار سیاسی - اجتماعی حاکم تجلی نموده و پایگاه اجتماعی و نظام اجتماعی - اقتصادی شهر از این عامل متأثر بود. اگر چه مراکز مختلف مذهبی، فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی اثرات قابل توجهی در ساختار زندگی شهری داشتند، اما تأثیر مراکز دیوانی و نظامی در حیات شهری بیشتر بود. در دوران پیش از اسلام براساس مراتب و طبقات اجتماعی، شهر به دو بخش تقسیم می‌شد: الف) قلعه که مربوط به حکومت و وابستگان آن بود؛ ب) بیرون قلعه که مربوط به رعایا و توده مردم عادی بود. علاوه بر دو حوزه فضایی مذکور، بخش داخل قلعه به زیرمجموعه‌هایی شامل: کاخ، معبد و محل سکونت تقسیم می‌شده است. این‌گونه شکل‌بندی فضایی دارای محدودیت‌هایی برای توده مردم و ساکنان در زندگی شهری بوده است.

پس از ورود اسلام به ایران، جامعه طبقاتی گذشته متلاشی شده و در ساختار فضایی شهر تجلی می‌یابد. با مطرح شدن «امت واحده» و جامعه واحد امکان برخورداری و دسترسی همه مردم به خدمات شهری در پیوند با همدیگر فراهم می‌شود.

شهر در دوره اسلامی، بخش عمومی را در درون سازمان فضایی مذهبی خویش پذیرفته است و ساختار شهر مبتنی بر: الف) مرکزیت عمومی مشتمل بر مسجد جامع، ارگ، بازار و ب) کوی‌ها و محله‌های نیمه‌مستقل و مراکز خدمات است که در ارتباط و پیوند با یکدیگر قرار دارند.

در دوره اسلامی نیز کارکرد سیاسی شهر همچون گذشته پررنگ بود و امور شهر با اراده طبقات حاکم و شیوه‌های مورد پسند آن‌ها سامان می‌یافت.

منابع

۱. اشرف، احمد، ۱۳۵۳، ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، صص. ۷-۴۹.
۲. امینی، رقیه و منتظرالقائم، ۱۳۸۷، ارزیابی عملکرد مسجد در قرون نخستین اسلامی، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان.
۳. باستانی پاریزی، محمدابراهیم، ۱۳۶۶، کرمان در شهرهای ایراندر نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، به کوشش یوسف کیانی، انتشارات جهاددانشگاهی، تهران.
۴. پرو، ژان، ۱۳۶۵، شهرنشینی هخامنشی در شوش در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران،

- ترجمه افسانه خلعت‌بری، به کوشش یوسف کیانی، انتشارات جهاددانشگاهی، تهران.
۵. پوراحمد، احمد، ۱۳۷۰، جغرافیا و ساخت شهر کرمان، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
 ۶. پوراحمد، احمد، ۱۳۷۶، جغرافیا و کارکردهای بازار کرمان، انتشارات کرمانشناسی، کرمان.
 ۷. پیگولوسکایا، ن، ۱۳۷۲، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، ج ۲، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
 ۸. ترشخی، ابوبکر محمد، ۱۳۶۲، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمدبن محمد قباوی، تلخیص محمدبن زفرین عمر، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، انتشارات توس، تهران.
 ۹. تشکری، عباس، ۱۳۵۵، ایران به روایت چین باستان، مؤسسه روابط بین‌الملل وزارت خارجه، تهران.
 ۱۰. تقوی‌نژاد دیلمی، محمدرضا، ۱۳۶۶، معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان، انتشارات یساولی، تهران.
 ۱۱. توسلی، محمد، ۱۳۶۴، شهرهای کویری، تحلیل فضا - بصری در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، به کوشش یوسف کیانی، جهاد دانشگاهی، تهران.
 ۱۲. حبیبی، سیدمحسن، ۱۳۵۵، سیر تحول شهرنشینی و شهرگرایی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
 ۱۳. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغتنامه، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 ۱۴. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۶۲، جامع‌التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، ج ۲، انتشارات اقبال، تهران.
 ۱۵. رضوی، سید ابوالفضل، ۱۳۸۸، ساختار زندگی شهری در ایران دوران اسلامی، نشریه کتاب ماه‌تاریخ و جغرافیا، وزارت ارشاد اسلامی، شماره ۱۳۴، صص. ۲-۱۷.
 ۱۶. سرفراز، علی‌اکبر، ۱۳۸۱، ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، نشر عفاف، تهران.
 ۱۷. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۶۲، تاریخ شهرنشینی و شهرسازی در ایران، نشر آبی، تهران.
 ۱۸. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۶۲، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، نشر آگاه، تهران.
 ۱۹. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۶۷، مقدمه‌ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران، ج ۲، انتشارات امیرکبیر، تهران.
 ۲۰. شفق، سیروس، ۱۳۸۷، پیش‌درآمدی بر شهر اسلامی و افتراق آن با شهر غربی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
 ۲۱. فریور صدری، بهرام، ۱۳۸۰، بافت و ساختار شهرهای سنتی ایران، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
 ۲۲. فلامکی، منصور، ۱۳۶۶، شکل‌گیری شهرهای ایران در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، به کوشش محمدیوسف کیانی، جهاددانشگاهی، تهران.
 ۲۳. کیانی، محمدیوسف، ۱۳۶۵، شهرهای اسلامیدر نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، جهاددانشگاهی، تهران.

۲۴. منصوری، سید امیر، ۱۳۸۶، دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی قبل و بعد از اسلام با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان، نشریه علمی پژوهشی باغ نظر، تهران، شماره ۷، صص. ۴۹-۶۰.
۲۵. میرزا کوچک خوشنویس، احمد، ۱۳۸۵، دولت‌شهر آرمانی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی باغ نظر، شماره ششم، سال سوم.
۲۶. به تصحیح مجتبی مینوی، ۱۳۵۴، نامه تنسربه گشتسب، انتشارات خوارزمی، تهران.
۲۷. نظریان، اصغر، ۱۳۸۸، پویایی نظام شهری ایران، انتشارات مبتکران، تهران.
۲۸. واعظ بلخی، صفی‌الدین ابوبکر عبدالله بن عمر، ۱۳۵۰، فضایف بلخ، ترجمه محمدبن محمدحسینی بلخی، تصحیح عبدالحی حبیبی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
۲۹. هوف، دیتریش، ۱۳۶۹، شهرهای ساسانی در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، ترجمه رحیم صراف، جهاددانشگاهی، تهران.
۳۰. یعقوبی، احمدبن‌ابی یعقوب، ۱۳۶۲، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۳، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

31. Hourani, A.H., 1970, The Islamic City in the light of recent Research. In. The Islamic city, a Colloquium University of Pennsylvania press,

